

کوچه گرد

چرا در بازار راسته و تیمچه داریم؟



لیلا باقری

همیشه برابرم سؤال بود که چرا در بازار، راسته و تیمچه داریم... با تیمچه‌هایی که در گذشته همه یک نوع کالا ارائه می‌کردند. انگار این فرهنگ در بازار به بیرون هم رخنه کرده و ما خیابان‌هایی داریم که بورس جنس خاصی هستند: بورس لوازم برقی، بورس پارچه‌فروشان... مردم هم اغلب وقتی خریدی عمده دارند یا راسته مورد نظرشان در بازار می‌روند یا به محلی که بورس آن جنس است، به نظر می‌رسد جمع شدن مغازه‌هایی که همگی یک جنس را می‌فروشند بیشتر از اینکه به سود مغازه‌دار باشد به سود مشتری است؛ چون اگر او در جایی دیگر بود و جزو معدود مغازه‌هایی که آن کالا ارائه می‌دهند، می‌توانست به هر قیمت و کیفیتی که بخواهد اجناس را بفرشد، اما با بودن کنار هم صنفان دیگرش، گرچه باعث جذب مشتری بیشتری می‌شود، ولی دیگر نمی‌تواند گرانی‌فروشی کند یا جنس بی‌کیفیت بفروشد. جالب اینکه نکته در دست همین جاست، فروشندگان یک صنف کنار هم جمع می‌شوند تا مشتری بتواند با فراغ‌بال همه مغازه‌ها را ببیند و جنس دلخواهش را با کیفیت خوب و قیمت مناسب بخرد. این فرهنگ و سنت از دیرباز در بازار وجود داشته است. محمد کریم پیرنیا در توضیح این فرهنگ در «شنایی با معماری ایرانی» می‌گوید: «پرهیز ایرانی از دروغ، ریاکاری، مردم‌فریبی و به‌ویژه ریاکاری، بازرگان و تاجر ایرانی را از سودجویی و بهر برداری ستمکارانه باز می‌داند. شاید به همین دلیل ایرانیان توجه زیادی به تجارت نداشته‌اند و رسته تجار و بازرگان در اجتماع ایران باستان پایین‌تر از رسته‌های دیگر بوده است. داستان میک ابکش و بهرام ریاخوار در شاهنامه چنان آمده که انگار بهر برداری از سرمایه‌های جزایر تولید، گناهی غیر قابل بخشش است و سود بردن از سرمایه صرف و زوراندوزی بدون بخشش، همیشه نکوهش شده و بی‌بازاری مردم ایران را برانگیخته است.» برای همین است که بازار گان و تاجر ایرانی همیشه در جایی به تجارت پرداختند که خریدار بتواند به راحتی کالای او را با آنچه دیگران عرضه می‌کنند، بسنجد و تاجر هرگز گرد مردم‌فریبی نمی‌رفته است؛ به همین دلیل با تشکیل راسته و تیمچه و سرا و زمینه مناسبی را برای خرید فراهم می‌کند تا بتواند جنس دلخواه خود را با قیمت مناسب بخرد.

هنوز هم اغلب مغازه‌دار در هر جای تهران که باشند به بازار تهران می‌آیند و جنس خود را عرضه می‌کنند تا کالا با قیمت مناسبی برایشان تمام شود یا فروشندگان در مترو وقتی می‌خواهند تبلیغ کالایی را بکنند، می‌گویند از آن‌ها تر از مغازه می‌فروشند؛ چون مستقیم از بازار آورده‌اند. خانواده‌ها و افرادی هم که شلوغی زندگی ماشینی تمام مجازشان را برنگردیده است، برای خرید اجناسشان به بازار می‌روند. وقتی دلیل این آرزای را می‌فهمی، اینکه دور هم جمع شده‌اند تا توراحت باشی در خرید، بازار برایت دوست‌داشتنی‌تر می‌شود. آنقدر که شاید دیگر کمتر دلت بخواهد به پاساژهای رنگ‌بهرنگی بروی که هر کدام قیمت‌های نجومی را برای اجناس خودشان در نظر گرفته‌اند. اگر هم بهشان «هه» بگویی، در ذهنشان منتهم می‌شوی به تشنای جنس و بی‌سلیقتی یا حتی نداشتن پول کافی در جیبها و همه این افکار را از مدل چشم‌پوش و ابرو آمدنشان و مدل گرفتن جنس و گذاشتن در و پرتین متوجه می‌شوی.



با اسکن این کیو آر کد، یادگست مربوط به یادداشت را ببینید.

سوزه روز

مجسمه‌های بر دیوار شهر



یکی از وسیع‌ترین نگارخانه‌های جهان، در دیوارهای شهری است؛ جایی که هزار هزار رنگدانه از کنار آن عبور می‌کنند. خواسته و ناخواسته، نگاهشان درگیر رنگ و آبی و شکل و شمایل آن می‌شود. حالا اگر هنرمندان میلان شهری بتوانند این همه نگاه تشنه را با آثار تجسمی یا جیممی خود سیراب کنند، کاری کرده‌اند کارستان! در خیابان ولیعصر (عج) بالاتر از توبان هاشمی رفسنجانی، یکی از این مجسمه‌های شهری بر دیوار نصب شده که دلبری می‌کند و نگاه رهگذران را به سوی خود می‌کشاند. عبارتی که از کنار این اثر از زمین عبور می‌کند، راه‌گذرانی را خواهد دید که با همین قدم‌زدن‌های گاه و بی‌گاه در شهر، می‌توانند گاهی حتی اوج بگرددند و به‌سوی آسمان قدم بگذارند.

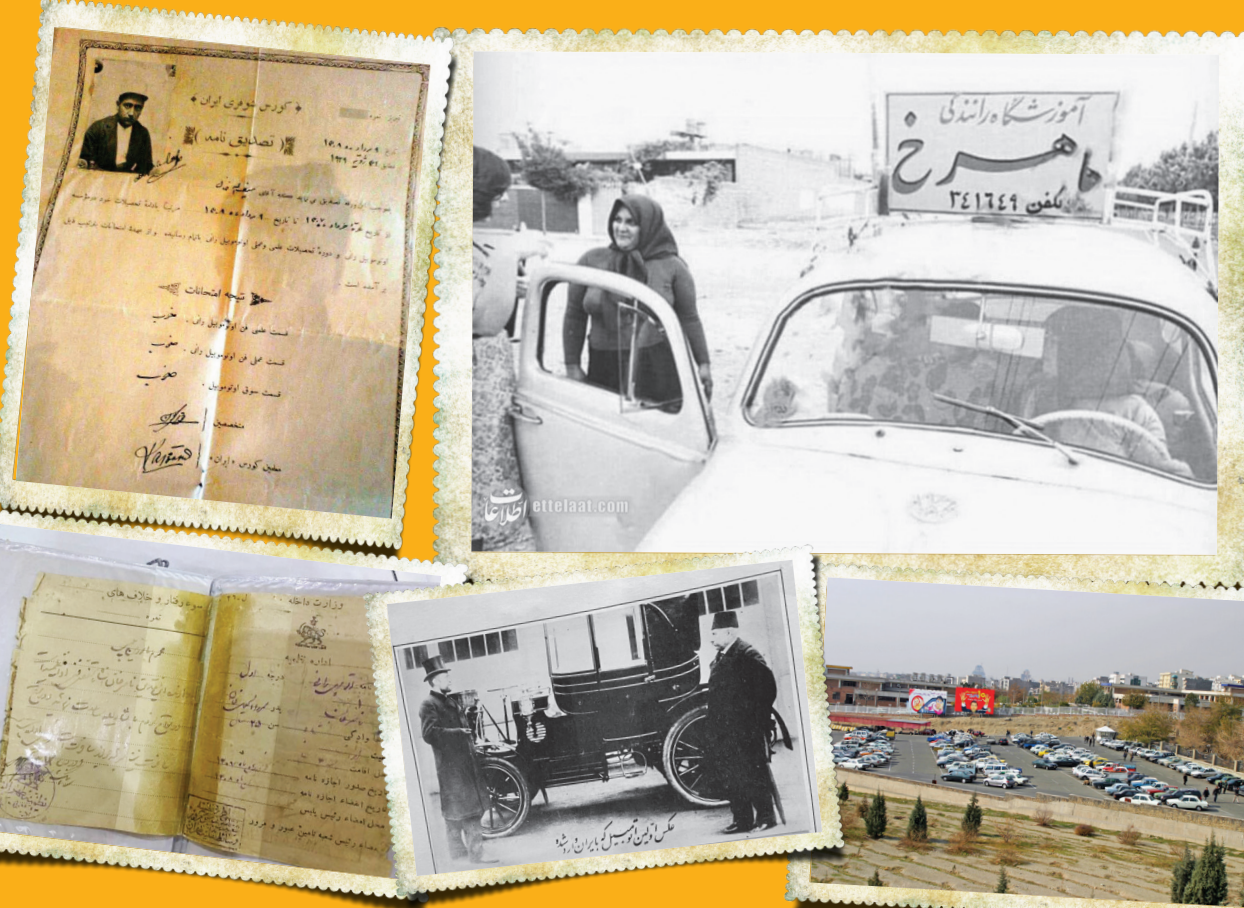
گواهینامه‌های قد و نیم‌قد

نخستین گواهینامه رانندگی را در تهران چه کسی گرفت و گواهینامه‌های آن روزگار چه مشخصاتی داشت؟

مقاضیانیه که تا به حال به هر دلیلی در آزمون آیین‌نامه شرکت کرده و در آن قبول شده‌اند، برای دریافت گواهینامه برای دیگر وسایل نقلیه سبک، دیگر لازم نیست دوباره در آزمون آیین‌نامه شرکت کنند. اما موضوع صدور گواهینامه از چه زمانی توجه تهرانی‌ها را به خود جلب کرد؟

چندی پیش خبری درباره حذف آزمون آیین‌نامه برای دریافت گواهینامه وسایل نقلیه بحث‌برانگیز شد؛ خبری که رسانه‌ها آن را به نقل از رئیس پلیس راهور فرا جاب منتشر کرده بودند و به‌سرعت هم تکذیب شد؛ در واقع اصل خبر این است که

سیدروس طباطبایی پور



اولین گواهینامه در تهران

در گذشته‌های دور، عبور و مرور تهرانی‌های قدیم، علاوه بر تجهیزات خصوصی یا حدود ۵۰۰ درشکه انجام می‌شد که به‌سرعت به ۹۰۰ درشکه رسید. در دوران مظفرالدین‌شاه آهسته‌آهسته پای اتومبیل به تهران باز شد و بعد از فراوانی اتومبیل، نیازهای دیگر این پدیده نو نیز حس شد؛ نیازهایی مثل احداث تعمیرگاه و پمپ‌بنزین، نوشتن قوانین راهنمایی و رانندگی، آموزش رانندگی و البته صدور گواهینامه!

مستشاران سوئدی

در سال ۱۲۹۲ شمسی در عهد احمدشاه قاجار، یک مستشار سوئدی به نام «وستدال» و همراهانش برای بررسی و اصلاح قوانین نظمیه به ایران آمدند و بعد از چند ماه بررسی، کار خود را آغاز کردند. این گروه نظام‌نامه‌ای را برگرفته از قوانین پلیس در اروپا نوشتند و قواعد عمومی، قوانین محبس، قانون شناسنامه، نظام‌نامه تردد و وسایل نقلیه و دیگر قوانینی از این دست را تنظیم و ابلاغ کردند.

یکی از مهم‌ترین کارهای این گروه البته تربیت گروهی برای آموزش و آزمایش رانندگی و صدور تصدیق یا همان گواهینامه رانندگی بود. در این زمان نخستین شعبه «تأمین عبور و مرور» در اداره نظمیه دایر و این شعبه با ۲۰ پلیس در ضلع غربی میدان توپخانه (میدان امام خمینی) مستقر شد.

شکل گواهینامه

حدود یک دهه پس از صدور نخستین گواهینامه در تهران، فرایند اخذ تصدیق رانندگی سروشکلنی مناسب به خود گرفت. در آن سال‌ها نخستین تصدیق‌ها به صورت دفترچه‌ای ۸ صفحه‌ای صادر می‌شد. از سال ۱۳۴۰ گواهینامه‌های رانندگی تک‌برگ شد و ۲ سال اعتبار داشت. به نقل از روزنامه اطلاعات، منتشر شده در ۱۲۵ دی‌ماه ۱۳۵۲، حداقل سن برای

دریافت گواهینامه پایه ۲ شخصی، ۲۳ سال بود.

شهرک آزمایش

در غرب تهران کنونی، نزدیک به روستایی به نام کپک، منطقه‌ای بود پس از تهیه‌ی زیردرخت، در دهه ۴۰ شمسی نخستین ساختمانی که در آنجا سر بلند کرد، ساختمان ژاندارمری بود که یکی از وظایف آن برگزاری آزمون رانندگی در شهر تهران بود. رانندگان ماشین‌های سنگین روی تهیه‌ی آزمون می‌دادند و رانندگان خودروهای سواری و موتورسیکلت‌ها روی سطوح سبیلدار و در مکان‌هایی مشخص برای قبول شدن در آزمون رانندگی تلاش می‌کردند. همین شب تپه‌ها چالش اصلی برای رانندگان تازه‌کار بود. آرام‌آرام در دهه ۵۰ کلنگ ملک‌های شخصی هم به زمین زده شد و اداره ژاندارمری، تعاونی مسکن و چند نهاد دیگر، زمین‌های شهرک را به کارمندان‌شان واگذار کردند و شهرک آزمایش به‌مرور رونق گرفت.

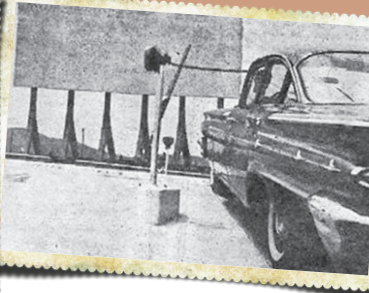
امروز

در گذشته تنها مراکزی مثل مرکز پلیس شهرک آزمایش و برخی مراکز پلیس راهور در شهر تهران آزمون شهری و آیین‌نامه را برای متقاضیان دریافت گواهینامه برگزار می‌کردند، اما چند سالی است که کار آموزش و برگزاری آزمون‌ها و صدور گواهینامه بر عهده آموزشگاه‌های معتبر راهنمایی و رانندگی است.

تهران مصور

سینما ماشینی تهران؛ دهه ۳۰

ایده به اجرا درآمد و در اوایل سینمای تهرانپارس، نخستین سینمای ماشینی تهران و کشور، فعالیتش را آغاز کرد. وسعت در اوایل سینمای تهرانپارس ۳ هزار و ۲۰۰ متر مربع، گنجایش آن ۲۸۴ اتومبیل و بهای بلیت آن ۱۵۰ ریال بود که فیلم‌های بسیاری در آن به نمایش درآمد. در اوایل سینما این امکان را به مخاطبان می‌داد تا با خودروی‌شان وارد یک محوطه بسیار بزرگ شوند و همراه با خانواده هم فیلم ببینند و هم سیاحتی کنند. قلمروی هر خانواده در این سینما خودروی شخصی خودشان بود و اعضای خانواده هنگام بخش فیلم می‌توانستند با هم صحبت کنند، خوراکی بخورند و بچه‌ها هم می‌توانستند بلند بخندند و بیج بزنند؛ فقط نباید مزاحم خودروی کناری می‌شدند. داریوش شهبازی، تهران شناس در باره هویت تاریخی این سینما می‌گوید: «اوایل دهه ۴۰ وقتی که کودک بودم گاهی با مرحوم پدرم و خانواده به در اوایل سینمای تهرانپارس می‌رفتم. یاد هست پرده وسیع سینما روی پایه‌های بتنی تعبیه شده بود و در کنار محل پارک هر ماشین میله‌ای قرار داشت که بلندگوها روی آن بود تا کم و زیاد کردن صدای آن در اختیار تماشاگران باشد. در اوایل سینما همانطور که از نامش پیداست برای خودرو سواران بود و فقط آنها می‌توانستند در این سینما فیلم تماشا کنند.»

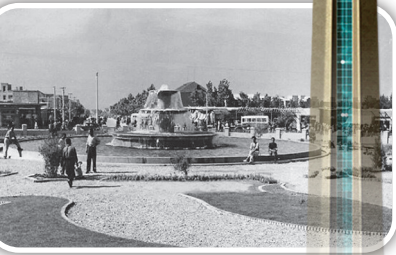


تهران‌گرام

میدان ۸۰ ساله پایتخت



تاریخ تهران به دوره پهلوی که رسید، دروازه‌های شهر را برداشتند و تهران از حصار ناصری خارج شد. در همان دوران بود که محدوده میدان امام حسین (ع) امروزی به پایتخت اضافه شد. کم‌کم رفت‌وآمد در این بخش از شهر زیاد شد و طولی نکشید که در ابتدای دهه ۲۰ خورشیدی، میدانی در این محدوده بنا شد. در نخستین نقشه‌ای که در سال ۱۳۱۷ از تهران کشیده شد، هنوز نشانی از ساخت این میدان نیست، ولی گویا در میانه سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۳ این میدان بنا شده است. در آن زمان آبنمایی ۳ طبقه در میانه میدان وجود داشت و دور تا دور این میدان تازان‌ساز، حوض، فواره و چمن‌بند، اما پس از ۱۰ سال، ۴ مجسمه اسب نیز در میانه میدان قرار گرفت و به محلی بازی بچه‌ها و عکس گرفتن تهرانی‌ها تبدیل شد. رفت‌وآمدها برای استفاده از سینما و تفریحات این میدان باعث شد تا بازار شهرستانی‌ها هم در این میدان دایر شود. در اواخر دهه ۴۰ که مسجد امام حسین (ع) در ضلع شمال غربی و بیمارستان جورجانی در ضلع شرقی ساخته شد، یکباره تعداد مراجه‌کنندگان به این تکه از شهر افزایش پیدا کرد؛ به همین خاطر فضای میدان برای تردد وسایل نقلیه کافی نبود؛ همین موضوع باعث شد مجسمه اسب‌ها از میدان برداشته و طرح ساخت زیرگذر در این میدان اجرا شود. این میدان که تسابندی دهه ۹۰ شکل سابقش را حفظ کرده بود، در سال ۱۳۹۲ و در قالب طرح پیاده‌راه آیینی - مذهبی شهر تهران تغییر کرد.



تهران‌نامه



آش‌های اختصاصی تهرانی‌ها

پخت آش از دوره قاجار در میان اهالی پایتخت رایج شد. به توصیف اوژن اون، سفیر فرانسه در ایران دوره قاجار، با وجود بلای پل‌ها هم آش در هر وعده غذایی تهرانی‌ها حضور پررنگی داشت. به گفته داریوش شهبازی، تهران شناس، آش در بازار تهران عرضه می‌شد، آش نذری «بوهردا» و آش «کشک کله‌بره» که با کله‌بره تازه به دنیا آمده تهیه می‌شد؛ چیزی در ماه‌های کله‌پاچه که داخل آش آن را می‌پختند؛ البته آبگوشتی هم در تهران پخته می‌شد در خیابان به نام «دیزی‌بخنی» که این آبگوشت را هم با پختن گوسفند درسته در دیگ درست می‌کردند. غذاهایی که در تهران می‌پختند، ترکیبی از سنت‌ها و عادت‌های مردم این شهر بود. در متون تاریخی این عصر اخبار دقیقی به تفکیک درباره غذاهای متداول آن موسم در اختیار نیست.

وسعت در اوایل سینما تهرانپارس ۳ هزار و ۲۰۰ متر مربع، گنجایش آن ۲۸۴ اتومبیل و بهای بلیت آن ۱۵۰ ریال بود